

ریاست خانواده در روابط زوجین

سید مهدی دادمرزی

www.ketab.ir



سرشناسه : دادمهرزی، سیدمهدی، ۱۳۴۵ -
 عنوان قراردادی : ایران، قوانین و احکام
 عنوان و نام پدیدآور : ریاست خانواده در روابط زوجین / مهدی دادمهرزی
 مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری : ۳۸۴
 فروست : علوم اجتماعی؛ ۷۹۲
 شابک : 978-964-511-591-1
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : کتابنامه؛ همچنین به صورت زیر نویس.
 موضوع : زناشویی — قوانین و مقررات — ایران
 موضوع : روابط زن و مرد — ایران
 موضوع : حقوق خانواده — ایران
 موضوع : زناشویی (اسلام)
 موضوع : مسئولیت (حقوق) — ایران
 موضوع : مسئولیت (فقه)
 رده بندی کنفر : KMH ۵۴۲/۵۲۹
 رده بندی دیویی : ۳۴۶/۵۵۰۱۶
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۴۶۸۲۱

هرگونه کپی (اعم از چاپ، کپی، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اجازه مجوز
 از ناشر خلاف قانون بوده و مجازات قانونی دارد.
 اطلاعات ضرورت مشاهده: موارد را به شماره ۰۲۱-۸۸۳۴۹۵۲۹ اطلاع دهید.

۷۹۲

نشر میزان

ریاست خانواده در روابط زوجین

سیدمهدی دادمهرزی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

شمار: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۵۹۱-۱

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاووسی فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، رویروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخررازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتوح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱

پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
بخش اول - موضوع شناسی ریاست خانواده	۲۱
فصل اول: مفاهیم دخیل در ماده ۱۱۰۵ ق.م	۲۲
گفتار اول: خانواده (مفهوم، ماهیت و کارکردها)	۲۲
مبحث اول: مفهوم خانواده	۲۳
الف) خانواده در زبان فارسی	۲۴
ب) خانواده در زبان عربی	۲۴
ج) خانواده در زبان انگلیسی و فرانسه	۲۶
د) خانواده در قرآن کریم	۲۷
هـ) خانواده در روایات معصومین (علیهم السلام)	۲۸
و) خانواده در قانون مدنی و سایر مقررات موضوعه ایران	۲۹
ز) خانواده در تالیفات حقوقی ایران	۳۲
ح) خانواده در دانش جامعه شناسی و بازتاب آن در حقوق نوین غرب ..	۳۳
ط) خانواده در اسناد حقوق بین الملل	۴۱
ی) خانواده در نکاح موقت	۴۲
مبحث دوم: ماهیت خانواده	۴۵
الف) تاریخی یا طبیعی بودن خانواده	۴۵
ب) شخصیت حقوقی خانواده	۴۸
۱. ریشه تاریخی شخصیت حقوقی خانواده	۴۹
۲. موضع حقوق دانان ایران	۵۳

۵۴	۳. موضع قوانین موضوعه ایران
۵۷	۴. موضع حقوق کشورهای اسلامی
۵۸	۵. موضع حقوق کشورهای غربی
۶۵	۶. موضع فقه اسلامی
۶۹	ج) نقش ماهیت «نکاح» در شناسایی «ماهیت» خانواده
۷۳	۱. تعاریف نکاح
۷۵	۱-۱. تعریف نکاح در فقه
۷۷	۲-۱. تعریف نکاح در حقوق موضوعه ایران
۷۹	۳-۱. تعریف نکاح در حقوق چند کشور عربی
۸۲	۴-۱. تعریف نکاح در حقوق کشورهای غربی
۹۱	۵-۱. تعریف نکاح در اسناد بین المللی
۹۲	۲. ماهیت نکاح
۹۲	۱-۲. ماهیت قراردادی نکاح در حقوق موضوعه ایران
۹۴	۲-۲. ماهیت قراردادی نکاح در حقوق کشورهای عربی
۹۴	۳-۲. ماهیت نکاح به عنوان «قرارداد»، «موقعیت» و «نهاد» در حقوق غرب
۹۸	۴-۲. ماهیت عبادی نکاح در فقه اسلام
۱۰۲	۵-۲. ماهیت عبادی نکاح از نگاه قرآن کریم
۱۰۸	۳. ماهیت نکاح و عقد موقت
۱۱۱	۴. تاثیر ماهیت عبادی نکاح بر آثار و احکام نکاح و خانواده
۱۱۳	مبحث سوم: کارکردهای خانواده
۱۱۹	الف) برآورده کردن نیازهای جنسی
۱۲۴	ب) بقای نسل
۱۲۸	ج) ارضای روحی و عاطفی
۱۳۵	د) تربیت
۱۳۸	گفتار دوم: مفهوم «روابط زوجین»
۱۴۴	گفتار سوم: مفهوم ریاست و واژگان معادل آن

فصل دوم: پیشینه ریاست خانواده	۱۵۴
گفتار اول: پیشینه غیر حقوقی بحث ریاست خانواده	۱۵۴
گفتار دوم: پیشینه حقوقی ریاست خانواده	۱۵۸
مبحث اول: حقوق موضوعه کشورهای غیر غربی	۱۵۹
مبحث دوم: حقوق موضوعه کشورهای غربی	۱۶۵
مبحث سوم: حقوق موضوعه ایران	۱۷۴
فصل سوم: ماهیت ریاست خانواده و قالب‌های آن	۱۷۸
گفتار اول: ماهیت ریاست خانواده	۱۷۸
گفتار دوم: قالب‌های محتمل در مورد ریاست خانواده	۱۸۲
جمع بندی	۱۸۸
بخش دوم - ادله و مبانی ریاست شوهر بر خانواده	۱۹۱
فصل اول: مقتضای ضوابط و قواعد عمومی (عقل، ذات نکاح - خانواده، قاعده فقهی و اصل عملی)	۱۹۶
گفتار اول: حکم عقل	۱۹۷
گفتار دوم: مقتضای نکاح و خانواده	۱۹۷
مبحث اول: مقتضای نکاح	۱۹۸
مبحث دوم: مقتضای خانواده	۱۹۸
گفتار سوم: قواعد فقهی ناظر به مساله	۱۹۹
مبحث اول: قاعده سلطه بر نفس	۲۰۰
مبحث دوم: قاعده عدم تاثیر جنسیت در احکام الله	۲۰۰
گفتار چهارم: اصل عملی	۲۰۹
فصل دوم: ادله اختصاصی ناظر به مساله	۲۱۱
گفتار اول: دلائل قرآنی	۲۱۱
مبحث اول: آیه قوامون	۲۱۲

الف) واژگان کلیدی آیه	۲۱۳
۱. واژه «قوامون»	۲۱۳
۲. عبارت «بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا»	۲۱۵
ب) شان نزول آیه	۲۱۹
ج) اخباری یا انشایی بودن مفاد آیه	۲۲۱
د) امضایی یا تاسیسی بودن قوامیت	۲۲۱
ح) قوامیت در اجتماع یا خانواده	۲۲۲
و) تعلیل قوامیت در آیه	۲۲۴
۱. تعلیل به فضیلت تکوینی مرد بر زن	۲۲۵
۱-۱. فضیلت در آفرینش	۲۲۶
۱-۲. آفرینش زن و مرد در کتاب مقدس	۲۲۶
۱-۲. آفرینش زن و مرد در قرآن کریم	۲۲۸
۱-۳. تحلیلی فلسفی از حقیقت زن و مرد	۲۳۴
۲-۱. تعلیل به عنوان خاستگاه فضیلت مرد بر زن	۲۳۷
۲. تعلیل به قاننیت (اطاعت پذیری عاشقانه) برای وجه فضیلت زن بر مرد	۲۴۲
۳. تعلیل به تشریع اتفاق	۲۴۴
ز) علت یا حکمت بودن مبانی قوامیت در قرآن	۲۴۵
۱. نظریه علت دانستن تفضیل و اتفاق	۲۴۶
۲. نظریه حکمت دانستن مبانی طرح شده در آیه قوامیت	۲۴۹
۳. دیدگاه تفصیل دهنده میان اتفاق و تفضیل	۲۵۰
مبحث دوم: آیه درجه	۲۵۱
گفتار دوم: روایات معصومین (علیهم السلام)	۲۶۰
گفتار سوم: سایر ادله اجتهادی (اجماع، سیره عقلا و سیره مشرعه)	۲۶۸
گفتار چهارم: مبانی و ادله حقوقی ریاست خانواده	۲۶۹
جمع بندی	۲۷۵

بخش سوم - قلمرو و آثار ریاست شوهر ۲۷۷

فصل اول: قلمرو ریاست شوهر ۲۷۸

گفتار اول: ریاست شوهر و مساله استمتاع ۲۷۸

گفتار دوم: موارد خارج از قلمرو ریاست شوهر ۲۸۲

مبحث اول: انفاق ۲۸۳

مبحث دوم: طلاق ۲۸۴

فصل دوم: آثار ریاست شوهر ۲۹۱

گفتار اول: اختیار نام خانوادگی شوهر توسط زوجه ۲۹۳

گفتار دوم: تحصیل رضایت شوهر در پذیرش قیمومت از سوی زوجه ۲۹۷

گفتار سوم: تبعیت زوجه از اقامتگاه شوهر ۲۹۹

گفتار چهارم: سکونت در منزلی که شوهر تعیین می‌کند ۳۰۷

گفتار پنجم: تحمیل تابعیت شوهر بر زوجه ۳۱۲

گفتار ششم: استیذان زوجه در خروج از منزل ۳۱۵

گفتار هفتم: اصلاح کج‌تابی زوجه ۳۲۰

گفتار هشتم: محدودیت اشتغال زوجه ۳۳۱

نتایج تحقیق ۳۵۴

فهرست منابع و مآخذ ۳۵۹

الف) منابع فارسی ۳۵۹

۱- کتب ۳۵۹

۲- مقالات ۳۶۴

ب) منابع عربی ۳۶۹

ج) منابع انگلیسی ۳۷۶

د) منابع اینترنتی ۳۷۹

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ وَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ الَّذِي لَا يُذَرِّكُهُ بَعْدُ الْهَمَمُ وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفُطْنِ الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ وَلَا نَعْتٌ مُوجُودٌ وَلَا وَقْتُ مَعْدُودٌ وَلَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ وَنَشَرَ الرِّيحَ بِرَحْمَتِهِ وَوَتَدَّ بِالصُّخُورِ مِيدَانَ أَرْضِهِ»^۱

و صلى الله على خير خلقه و افضل برите و خاتم انبيائه محمد (صلى الله عليه و آله).

مقدمه

خانواده با سابقه‌ترین اجتماعی است که بشر آن را شناخته است. این اجتماع کوچک، منبع تغذیه اجتماعات بزرگ انسانی از جنبه‌های مختلف است. خانواده، متاثر از پیچدگی موضوع آن که مشکل از اجتماع انسان‌هاست مقوله‌ای شکننده و پیچیده به نظر می‌رسد؛ از اینرو هرگز یک رشته خاص نمی‌تواند ادعای تنظیم روابط انسان‌ها و تعاملات شکل گرفته در داخل خانواده را داشته و این مهم را در دو ساحت درون و بیرون خانوادگی سامان دهد.

در این میان، نظام‌های حقوقی بزرگ دنیا علی‌رغم تفاوت در بنیان‌هایشان تلاش کرده‌اند اقتضانات خاص خانواده را در منظومه حقوقی کشورهای متبوعشان در نظر بگیرند و خانواده را در قاموس قوانین خود مورد توجه قرار دهند. در حقوق موضوعه ایران به تبعیت از فقه امامیه و در همراهی با نظام‌های بزرگ حقوقی در زمان تدوین قانون مدنی، از دیر زمان تا کنون، خانواده همواره کانون توجه بوده است. از آن جا که خانواده دارای هویتی خاص و حتی مستقل با اهداف و کارکردهای معین شناخته می‌شود؛ یکی از تمهیدات حقوقی برای سوق دادن خانواده در مسیر تحقق اهداف و تامین کارکردهای آن پیش‌بینی قانون اقتدار برای آن است. وجود کانون اقتدار برای خانواده به صراحت در ماده ۱۱۰۵ق.م ایران پذیرفته و مقرر شده است: «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصائص شوهر است». همچنین از آن جا که در شریعت

اسلام به خانواده و کارکردهای آن بهای زیادی داده شده است و در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط خانواده باید در جهت پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد و در موارد متعددی از مصوبات مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی به خانواده به عنوان یک کل مستقل از افراد آن توجه شده است؛ لازم است با شناختی درست از خانواده و بررسی از کانون اقتدار در خانواده و ماهیت آن، تمهیدات حقوقی مناسبی را با راهبرد همسویی مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای کمک به استواری روابط خانواده فراهم آورد.

همان گونه که عنوان کتاب نیز گویای آن است در این پژوهش، واکاوی چنین کانون اقتداری در روابط میان زن و شوهر با محوریت سوالات زیر منظور نظر بوده است و در عین حال، مباحث حضانت و ولایت با وجود تأثیر و تأثر متقابلی که با بحث ریاست خانواده دارد، به دلیل آن که اختصاص به «روابط زوجین» ندارد، از موضوع تحقیق، خارج مانده است.

در این کتاب در پی پاسخ دادن به این سوال هستیم که: ابعاد حقوقی ریاست شوهر بر خانواده که در ماده ۱۱۰۵ ق.م.پیش‌بینی شده است کدام است؟

کلی بودن سوال اصلی به این سبب است که هنوز یک پژوهش حقوقی مستقلی در این سطح که نگاه حقوقی همه جانبه‌ای به موضوع داشته باشد سامان نیافته است تا راه را برای بررسی‌های موردی و ریزتر گشوده باشد. در چنین اوضاع و احوالی انتخاب یک سوال جزئی به عنوان سوال اصلی نمی‌تواند توجیه کننده‌ای کتاب‌ای در حجم کتاب حاضر باشد؛ البته به جهت تعدد پذیری سوالات فرعی، در ادامه تلاش کرده‌ایم ابهام مزبور را برطرف نماییم. اهم این سوالات به قرار زیر می‌باشند:

۱. ترکیب و محتوای ریاست خانواده در نظام حقوقی ایران از جایگاه بومی برخوردار است یا برگرفته از حقوق خارجی است؟
۲. آیا قوامیت شوهر بر زوجه همان ریاست شوهر بر خانواده است؟
۳. آیا خانواده به حسب ذات و کارکردهایش به کانون اقتدار نیاز دارد؟
۴. مبانی فقهی و حقوقی چنین کانون اقتداری کدام است؟
۵. ریاست خانواده از ماهیت آمرانه برخوردار است یا جنبه تکمیلی دارد؟

۶. چه آثار حقوقی مشخصی در قوانین ما برای چنین ریاستی و رای روابط خصوصی زوجین پیش‌بینی شده است؟

۷. ریاست خانواده با مختصات مورد نظر، به عقد دائم اختصاص دارد یا نکاح منقطع را نیز شامل است؟

به عنوان فرضیه تحقیق حاضر می‌توان اظهار داشت که: ترکیب «ریاست خانواده» از حقوق خارجی گرده برداری شده است؛ اما در حقوق بومی ما قانون اقتداری که موجب تسهیل کارکردهای خانواده در عین تامین انسجام درونی و صلابت بیرونی آن در نکاح دائم است در قالب تکلیف آمرانه «قوامیت شوهر بر زوجه» جعل گردیده و بر مزایای تکوینی متقابل زوجین و تمایزات تشریعی آن دو استوار و واجد آثار متعدد حقوقی فراتر از روابط خصوصی ایشان است. بنابراین فرضیه، می‌توان پاسخ سوالات ذکر شده را به این شرح استخراج نمود:

۱- ترکیب «ریاست خانواده» از حقوق خارجی گرده برداری شده است؛ اما محتوای آن به نوعی بر حقوق بومی ما با مرجعیت قرآن کریم تحت عنوان «قوامیت شوهر بر زوجه» منطبق است.

۲- عناصر دخیل در معنای قوامیت مانند مراقبت و محافظت در عین بر خورداری از پاره‌ای ویژگی‌های مربوط به بعضی معانی از ریاست، موجب عدم ترادف این دو واژه است.

۳- شوهر به عنوان قوام بر زوجه در فقه اسلام و رئیس خانواده در حقوق موضوعه، قانون اقتداری است که موجب تسهیل کارکردهای خانواده در عین تامین انسجام درونی و صلابت بیرونی آن است.

۴- «قوامیت شوهر بر زوجه» بر مزایای تکوینی متقابل زوجین و تمایزات تشریعی آن دو استوار است.

۵- ریاست شوهر بر خانواده همانند قوام بودن شوهر بر زوجه، تکلیفی آمرانه است.

۶- ریاست و قوامیت در حقوق موضوعه و فقه امامیه دارای آثار متعدد حقوقی فراتر از روابط خصوصی میان زوجین است.

۷- ریاست خانواده و معادل فقهی آن به نکاح دائم اختصاص دارد.

در مقام تبیین ضرورت انجام چنین تحقیقی خاطر نشان می‌سازد که: به دنبال پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) و برقراری نظام مقدس جمهوری اسلامی در کشور عزیز ما ایران، فرصتی منحصر به فرد برای حاکمیت گسترده احکام نورانی قرآن و سنت پدید آمد. این نظام نوپا از همان ابتدا خود را در مصاف با هجمه‌های رویکرد اومانیستی نظام‌های مسیطر بر جهان در عرصه‌های مختلف یافت. محتوای ریشه‌دار و با سابقه قانون مدنی به عنوان متنی مترجم از فقه امامیه به خصوص در حوزه حقوق خانواده وقتی در چنبره نظام دینی قرار گرفت، نمایان‌تر از همیشه به یکی از محورهای این هم‌آوردی تبدیل شد و گرایش‌های پوزیتیویستی حقوقی با مایه الحادی و پوسته حقوق بشری خود، نظام حقوق خانواده ما را گسترده‌تر از همیشه مورد هجوم قرار داد. نگاهی به رتبه اول از جهت حجم اصلاحاتی که بعد از انقلاب بر پیکره کنونی قامت کهن سال ولی افراشته قانون مدنی در مواد مربوط به «خانواده» و رکن رکن آن یعنی «زن» وارد آمد حاکی از عمق موضع انفعالی و پدافندی قانون‌گذاران در مصاف با چنین موج‌هایی است. بدون تردید سکون و رکود در عرصه تقنین و نادیده گرفتن اقتضائات دنیای امروز و کاستی‌های قانون مدنی با همه فحاشی که دارد، مورد توصیه نیست؛ اما این تکیه نباید با غفلت از نقش بنیان‌های استوار اعتقادی و منبع خطا ناپذیر وحی در ساختار نظام حقوقی بومی ما همراه شود. پیش‌بینی ریاست برای خانواده آن هم در قامت رئیس معرفی شدن شوهر، از جمله مواضع حقوقی ما است که به راحتی در معرض چالش با حقوق تساوی‌گرایانه و تک‌صدای دنیای غرب قرار می‌گیرد و ساختار خانواده ما را مورد تهدید قرار می‌دهد. از مغالطات وحشت ناک در دنیای امروز این است که چون دنیای غرب، یکه تاز عرصه تکنولوژی و ماشین است، پس باید انسان و قلمرو علوم انسانی نیز عرصه یکه‌تازی تمدن غربی باشد؛ در حالی که منطقاً قابل پذیرش است که تمدنی سراپا مادی بتواند آن سوی کُرّات را در نوردد ولی از درک رابطه فرامادی و سه ضلعی شوهر، همسر، فرزند؛ ناتوان بماند و تبعات این ناتوانی به اندازه‌ای عمیق و تأثیرگذار باشد که عده‌ای از صاحب نظران

پیش‌بینی کنند که: غرب از همین نقطه، سخت‌ترین ضربات را بخورد و در روند تدریجی بروز پیامدهای حوادث اجتماعی، دچار فروپاشی شود.^۱

با این حساب، اغراق آمیز نخواهد بود اگر ملاحظه می‌کنیم که رهبری نظام به عنوان عالی‌ترین کانون تصمیم ساز کشور در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع «زن و خانواده» در مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴ تاکید می‌فرمایند:

«مسئله زن و خانواده از مسائل درجه یک کشور است و در خصوص زن و خانواده، منابع و تعالیم اسلامی برجسته و متقنی وجود دارد که باید پس از تئوریزه شدن، بصورت نظریه‌های قابل استفاده، در اختیار همه قرار گیرد.»^۲ در همین راستا است که در بند دوم نامه هفده اندیشمند ایرانی به رئیس جمهور مصر در اواخر سال ۱۳۹۱ با بر جسته کردن مساله خانواده چنین می‌خوانیم: «امروز جهان غرب به اهمیت و جایگاه دین، هم در مدیریت ارزش‌های اجتماعی و هم در سلامت فرد، خانواده و جامعه تاکید دارد و مسیر دین‌مداری جامعه بعنوان یک روند جدی مشاهده می‌شود. بازگشت به دین، محصول بن‌بست‌های ناشی از رشد و توسعه منهای دین و بحران‌های اجتماعی فراگیری است.»^۳

با عنایت به ضرورت یادشده است که اصلی‌ترین راهبرد را برای تبیین و توجیه توانان مفاهیم اساسی انسان و علوم انسانی، مراجعه به قرآن می‌دانم که بدون افتادن در دام شعار انحرافی «حسبنا کتاب الله» و یا مغالطه‌های روشی میان‌فقه و حقوق همچنان می‌تواند تشخیص و تعین علوم انسانی بومی ما را در تمامی عرصه‌ها و از جمله حقوق خانواده به همراه آورد. همین نکته در بند پنجم نامه فوق‌الذکر به این صورت منعکس شده است: «دیدگاه‌های انسان محورانه، پاسخ جامعی برای تامین نیازهای معنوی و مادی انسان نیست و بدون توجه به کمال مطلق که مصداق اخذ و واحد آن خدای

۱. از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، مورخ ۲۱/۰۴/۱۳۹۱. قابل تأمل آن که دو سال بعد یعنی در سپتامبر ۲۰۱۴ دکتر سیدحسین نصر از بزرگترین اندیشمندان مسلمان که امروزه در کانون توجه مراکز آکادمیک دنیای غرب قرار دارد در مصاحبه اختصاصی با خبرگزاری مهر اعلام می‌دارد: «جهان شاهد از هم پاشیدن تمدن غرب است.»

(<http://www.mehrnews.com/detail/News/2364480>)

۲. قابل دسترسی در: <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=9000>

۳. قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911127000141>

متعال است، امکان تامین سلامت و سعادت انسان نیست.^۱ در هر حال چنین دغدغه‌ای موجب شده است تا موضوع کتاب را در معرض تابش پرتوهای مُشعشع و منحصر به فرد تعالیم قرآن کریم قرار دهم و به زعم خود ابعاد ناشناخته یا کمتر شناخته شده‌ای را در این حوزه نمایان سازم. امیدوارم در پرتو فیوضات رحمانی و ادعیه اولیای الهی توانسته باشم نظریه‌ای قرآنی و مانوس با شاکله نظام حقوقی کشورم را در موضوع ریاست خانواده پیشنهاد کنم تا بتواند دست مایه اصلاح روشمند، فعال، مبتنی بر بنیان‌های حقوق بومی و هماهنگ با تکوین در قوانین ما به شمار رود و تناسب و کار آمدی آن موجب جلب توجه سایر نظام‌های حقوقی بشود. نظریه‌ای که بر اساس آن خانواده بوسته‌ای قراردادی و محتوایی عبادی و هدفی متعالی دارد که تجلی چنین هویتی در آخرت، حشر اعضای خانواده با هم در بهشت و مهبط سلام فرشتگان الهی واقع شدن است.^۲ از راهکارهای تحقق چنین کمالی، قوام معرفی شدن شوهر است بر زوجه؛ قوامی که نه رئیس است نه ولی نه خادم و نه مدیر؛ اما اوصافی از هر کدام را نیز باخود دارد تا تکیه گاهی محکم برای زوجه باشد و او را در مسیر مادری و همسری، مقتدرانه همراهی کند در نتیجه زوجه بتواند با تسلط بر قلب شوهر، باران عواطف بر خاسته از قانتیت خود را نثار کانون خانواده نماید. قوامیت شوهر در کنار قانتیت همسر تمهیدی است که خانواده را از منظر بیرونی با صلابت و از منظر درونی منسجم می‌سازد. صلابتی که خاستگاه آن در هندسه خانواده، سلطه بر امور ظاهری و حقوقی زوجه و «محیط» خانواده است و انسجامی که خاستگاه آن تسلط زوجه بر روح و روان شوهر و کانون محبت و عشق قرار دان «مساحت» خانواده می‌باشد. این صلابت و انسجام در جریان زندگی مشترک و نشأت گرفته از چشمه سار رحمت و مودت، ابتدا زوجین را اشراب می‌کند و سرریز آن در جمع خانواده به جریان می‌افتد. قوامیت شوهر در قالب تسلط شوهر بر جسم زن، طریق وسطای حکومت زن بر قلب شوهر است.

۱. همان

۲. اشاره به سوره مبارکه رعد، آیات: ۱۹-۲۴

به عنوان اشاره به پیشینه تحقیق حاضر یاد آوری می‌نماید: در حقوق داخلی بر اساس ادله فقهی و فتاوی مشهور فقها و به موجب ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی ایران که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تصویب شده و همچنان به قوت خود باقی مانده است، ریاست خانواده از خصایص شوهر دانسته شده است؛ از این رو شارحان قانون مدنی - البته به صورتی بسیار کوتاه - به این مساله توجه کرده‌اند. با جستجوهای به عمل آمده مشخص شد تعداد بسیار معدودی مقاله و نیز پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد حقوق و نیز فقه با عناوینی مرتبط با عنوان کتاب حاضر نگارش یافته است؛ اما هیچ رساله‌ای در مقطع دکتری به این موضوع نپرداخته است و هیچ کتاب حقوقی با عنوان کتاب حاضر یا عنوانی مشابه با آن به چاپ نرسیده است. تنها مورد قابل ذکر، کتابی است که در نیمه دوم اسفند ۱۳۹۱ با عنوان: «بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر» توسط محقق ارجمند: جناب حجت الاسلام امیر رحمانی، از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم) به زیور طبع آراسته شده است. انصاف آن است که باید کتاب یادشده را در بیش از ششصد صفحه، اثری عالمانه در موضوع مدیریت خانواده به شمار آورد؛ اما رویکرد صد در صد فقهی مؤلف محترم کتاب را باید وجه تمایز آن با اثر حاضر به شمار آورد. با این حال تا آن جا که مقدور بود در مباحث فقهی این کتاب از منبع مزبور استفاده شده است و در مواردی که بحث آن را غنی‌تر از بحث خود یافتیم ارجاع را بر تکرار و یا ارائه مطلبی ضعیف‌تر ترجیح دادیم.

اما در حقوق غربی و بر اساس «اصل برابری جنسی و جنسیتی»، ریاست بر خانواده به شکل سنتی آن که به صورت رئیس قلمدادشدن شوهر مطرح بود، دیگر منسوخ گردیده است؛ بنابراین بحث از ریاست خانواده به صورت یادشده در حقوق کشورهای تابع حقوق کامن‌لا از جمله آمریکا و انگلستان و کشورهای تابع حقوق رومی - ژرمنی مانند فرانسه در ادبیات حقوقی جاری این کشورها جایی ندارد و از جنبه تاریخی بر خوردار است. البته دقت در شالوده‌های نوین حقوق خانواده در این نظام‌ها و کشورها نشان از وجود اقتداری به مراتب گسترده‌تر از اقتدار رئیس خانواده در قرائت سنتی

خود دارد و آن اقتداری است که از سوی دولت نسبت به خانواده اعمال می‌شود. به عبارت دیگر: کانون اقتدار در خانواده غربی همچنان وجود دارد و نهایتاً این سِمَت به دولت واگذار شده است. با این حال در کشورهای زیادی از میان کشورهای غیر غربی و غیر مسلمان جهان که جمعیت برخی از آنها به مراتب از کشورهای اروپایی بیشتر است، ریاست شوهر بر خانواده حفظ یا تعدیل شده است.

در حقوق خانواده پاره‌ای از کشورهای اسلامی به صراحت ریاست بر خانواده مطرح و رئیس خانواده نیز شوهر معرفی شده است. البته در مجموعه حقوق کشورهای اسلامی نیز با وضعیت یکسانی در این باره مواجه نیستیم و نوسان حقوقی خاصی را بین وضع پذیرفته شده در غرب و موقعیت سنتی رئیس خانواده مشاهده می‌کنیم. نگارنده در کتابی که در اواخر سال ۱۳۹۰ از سوی دانشگاه قم با عنوان اصلی «حقوق خانواده اسلامی» به چاپ رسید، رئوس مباحث خانواده از جمله موضوع حاضر را در نزدیک به چهل کشور (عمدتاً اسلامی) گزارش کرده‌ام.

پژوهش پیش رو در سه بخش اصلی تنظیم شده است: بخش اول به موضوع شناسی ریاست خانواده با محوریت ماده ۱۱۰۵ ق.م.ا.خ اختصاص دارد. هدف نگارنده در بخش اول این بوده است که هر قدر می‌تواند با طرح ریز عنوان‌های مناسب که در فهرست مطالب قابل مشاهده است، ابهامات ناظر به مفهوم و ماهیت خانواده را برزاید؛ زیرا سخت معتقد است حکم ریاست خانواده با تبیین درست مفهوم خانواده و ابعاد آن است که جایگاه مناسب خود را در دل و دماغ خواننده پیدا می‌کند. از همین رو و نیز با عنایت به تاریخی جلوه کردن بحث ریاست خانواده به ویژه در حقوق زنده دنیای غرب، تمام تمرکز فکری خود را به آوردن بحث‌های مقایسه‌ای در همین بخش معطوف کرده‌ایم تا با ارائه بحث‌های اساسی و مقایسه‌ای در باره موضوعات مفهومی و بنیادی مربوط به خانواده، این رویکرد عملی حقوق غربی را به چالش بکشانیم و شیفتگان دنباله روی از دستاورد تمدن غرب در عرصه خانواده را به درنگ وادار نماییم. نکته اخیر در کنار محور قلمداد کردن نگاه قرآن به این مفاهیم از دلایل حجم به ظاهر نامتوازن بخش اول در قیاس با دو بخش دیگر کتاب به شمار می‌رود. لازم است در همین جا خاطر نشان کنم که بهره‌مندی نگارنده از عمده کتاب‌های انگلیسی مورد استفاده در این قسمت به

دلیل حضور در کتابخانه‌های کشورهای آمریکا و هندوستان در طول تهیه این تحقیق بوده است و بسیاری از آنها در کتابخانه‌های ایران موجود نیستند. در بخش دوم به ریاست به عنوان تاسیسی قانونی برای موضوعی که در بخش اول تبیین شده است و نیز مبانی آن از منظر فقه و حقوق موضوعه پرداخته‌ایم. و بالاخره به هدف معرفی قلمرو و آثار عینی و وضعی ریاست در حقوق زنده ایران، بخش سوم را سامان داده‌ایم.

در پایان، صادقانه ابراز می‌دارم که در تمام مراحل تهیه این اثر، آشنا شدن با نگاه آموزه‌های قرآن کریم پیرامون موضوع کتاب حاضر و معرفی موضع حقوق خانواده ایران درباره آن، دغدغه این بنده ناتوان بوده است و قصد آن داشته‌ام تا بتوانم نمونه‌ای از نگاه توحیدی را در حقوق موضوعه کشورم بی‌تصنع و تکلف، کاملاً باورپذیر نشان دهم. امیدوارم هماهنگی با یک نگاه حقوقی و با استفاده ضابطه‌مند از میراث فقهی شیعه و منابع اجتهاد، توانسته باشم بدون تاثیر از طعنه کهنه گرایی یا طمع نوگرایی^۱ مجموعه‌ای را با خلوص علمی و عملی قابل قبول، فراهم کرده باشم. البته در طی این طریق، همواره خود را مرهون الطاف حضرت حق و آثار بزرگان یافته‌ام؛ اگر چه می‌دانم نه توان درخوری داشته‌ام و نه تلاش بایسته‌ای را در این راه به انجام رسانده‌ام؛ اما به کرم کریمانه حضرت حق امیدوارم که محصول نهایی چنین سیری، مقبول درگاه حضرتش قرار گیرد و در چشم خوانندگان فرهیخته، مفید جلوه نماید و اساتید بزرگوارم به ویژه جناب دکتر سید مصطفی محقق داماد و جناب دکتر سید حسین صفایی (حفظهما الله) که در تمام مراحل تحصیلات دانشگاهی‌ام در رشته حقوق از کارشناسی تا دکتری، افتخار شاگردی شان را به عنوان کمترین طلبه داشته‌ام از طبع آن خرسند گردند. همچنین لازم می‌دانم از تلاش‌های کارکنان نشر میزان و نیز حسن ظن و همراهی مدیر فاضل آن برادر گرامی‌ام دکتر عباس شیری که به چاپ و نشر این اثر

۱. در روایتی وجود مقدس امام صادق (علیه السلام) یکی از سه مجلسی را که خداوند بر آنها خشم می‌گیرد و نعمت خود را بر اهل آنها فرو می‌فرستد، مجلسی دانسته‌اند که در آن، بیان سخنان دشمنان اهل بیت را نوآوری و توجه به سخنان اهل بیت را کهنه گرایی می‌دانند! قسمتی از متن روایت مزبور چنین است: *الْعُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنِي أَخِي وَ عَمِّي، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)، قَالَ: «ثَلَاثَةٌ مَجَالِسٌ يَسْقُطُ عَنْهُنَّ اللَّهُ، وَ يُرْسِلُ نَفْثَهُ عَلَى أَهْلِهَا؛ فَلَا تَقَاعِدُوهُمْ وَ لَا تَجَالِسُوهُمْ؛ مَجْلِسًا فِيهِ مَنْ يَصِفُ لِسَانَهُ كَذِبًا فِي فِتْنَاءٍ، وَ مَجْلِسًا ذَكَرَ أَغْذَانًا فِيهِ جَدِيدٌ، وَ ذَكَرْنَا فِيهِ رَتْ، وَ مَجْلِسًا فِيهِ مَنْ يَصُدُّ غَنًا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ...» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق، ج ۴، صص ۱۲۹-۱۳۰).*

متنهی گردید تشکر نمایم. آخرین ابراز سپاس برآمده از عمق جان را نثار والدین مکرمم، همسر فرهیخته‌ام، فرزندان با تقوایم و همسران همراهشان می‌نمایم که با همدلی‌هایشان، حرکت در مسیر علم آموزی را همواره به کامم گوارا ساخته‌اند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

شهر مقدس قم: سید مهدی دادمرزی

www.ketab.ir